

واکاوی دلالت‌های معنایی ازدواج نزد جوانان (مطالعه موردی جوانان مجرد ساکن شهر تهران سال ۱۳۹۶)

ناهید حسینی^{۱*}، سید محمد سیدمیرزایی^۲، باقر ساروخانی^۳

چکیده

کاهش ازدواج جوانان توجه اجتماعی را در سطوح خرد و کلان برانگیخته است. مقاله حاضر حاصل پژوهش با هدف شناخت دلالت‌های معنایی ازدواج و تصویر ذهنی جوانان و راهبرد آنان به ازدواج است. رویکرد پژوهش کیفی است و از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان با نمونه‌گیری نظری و هدفمند به تعداد ۲۸ نفر از جوانان مجرد در سن ازدواج از مناطق مختلف شهر تهران در سال ۱۳۹۶ انتخاب شده‌اند. گردآوری داده‌ها با تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته و هسته محوری تحقیق با مقوله‌بندی داده‌ها به شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی به دست آمده است. مشارکت‌کنندگان «واپس‌زدگی» به ازدواج ناشی از چهار مقوله ترس، بی‌میلی، افول ارزش‌های فرامادی و لذت‌گرایی را تجربه می‌کنند با دلایل معنایی در سه مقوله الگوی معیشت شامل اقتصاد نایمن مرد، عدم توان مدیریت هزینه‌ها، استقلال مالی زنان؛ مناسبات ارزشی نوپدید شامل ارزش‌های اخلاقی و مناسبات اجتماعی-ارتباطی شامل وضعیت اجتماعی و چگونگی ارتباطات دو جنس با یکدیگر قابل تفسیر است. توجه به معیشت جوانان، ایجاد شغل و درآمدزایی باید در اولویت برنامه‌های دولت و بخش‌های خصوصی قرار گیرد. ترمیم زیرساخت‌های فرهنگی ارزشی بازتولیدشده در مناسبات ارتباطی متأثر از کنش کنشگران، جامعه‌پذیری مجدد از سوی نهادهای ذیربط را لازم دارد.

کلیدواژگان

ازدواج، جوانان، خانواده، فرامادی، واپس‌زدگی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش گروه‌های اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
n.hosseini1001@yahoo.com

۲. دکتری جمعیت‌شناسی و استاد دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
seyedmirzaie@yahoo.com

۳. دکتری جامعه‌شناسی و استاد دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
baghersarukhani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۹

مقدمه

خانواده دقیق‌ترین و شفاف‌ترین نهاد اجتماعی است که حوادث بزرگ و تاریخی جهان را انعکاس می‌دهد. به اعتقاد ژرژ گورویچ^۱ خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی است و از فراگردهای ساختی‌شدن^۲، از ساخت افتادن^۳ و بازساختی‌شدن^۴ برخوردار است [۱۸]. ازدواج و تشکیل خانواده یکی از رویدادهای مهم زندگی انسان است که نه تنها در سلامت جسمی و روحی فرد تأثیر دارد، بلکه مرحله گذر و ورود به فصلی جدید از زندگی است که اکثر افراد تا قبل از آن تجربه نکرده‌اند. ازدواج پدیده‌ای مطلق و فارغ از بستر زمان و مکان نیست و با تغییرات جامعه دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود [۱۵]. انسان قرن ۱۸ و ۱۹ چنین می‌پنداشت که خانواده جاودانه است. خانواده را تابع ازدواج و آداب و رسوم آن می‌دانست و طلاق را محکوم می‌کرد و فقط مرگ می‌توانست پیوند زناشویی زن و مرد را از هم بگسلد. در قرن نوزدهم، اروپا با ضربه‌های مدرنیته مواجه شد و تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با عنوان صنعت و شهر را ایجاد کرد و خانواده‌های قدیمی را در هم ریخت. آنچه بورژوا آن را انحراف می‌دانست، مثل پیوند آزاد، تولد فرزندان نامشروع و پدیده‌های مشابه، در عصر سرمایه‌داری در رفتارهای خانوادگی دیده شد [۸]. در ایران، ازدواج و همسرگزینی اولین دلیل تشکیل خانواده و به‌منزله یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار بر این نهاد است. طبق تحقیقی در سال ۱۳۷۹، ۹۸ درصد مردم ایران خانواده را دارای اهمیت بالا دانسته و ازدواج را نهاد تلقی کرده‌اند. امروزه، عواملی همچون افزایش تحصیلات، ارتقای سطح آگاهی و مسئولیت اجتماعی، افزایش شهرنشینی، سبک زندگی و تغییر نگرش‌ها از عوامل مهم و مؤثر در ازدواج است [۴]. در سال‌های اخیر، تغییر در آمار ازدواج در یک بازه زمانی چهارساله و در فاصله سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۳ نزدیک به ۲ درصد، نظر بسیاری از اندیشمندان این حوزه را جلب کرده است. این مقاله حاصل پژوهشی است که با هدف مطالعه و شناخت معنا و تفسیر جوانان از ازدواج و رویکرد و چگونگی رویارویی آنان با این موضوع در شرایط فعلی انجام شده است. درحقیقت، جوانان در حال حاضر در مورد ازدواج چگونه می‌اندیشند و چگونه آن را در ذهن خود معنا می‌کنند. درک آنان به ازدواج چگونه است و برآیند چه نوع عوامل و شرایط و ویژگی‌های فردی و اجتماعی به چنین تفسیری از موقعیت منجر شده است؟ آنان در رویارویی با ازدواج چه راهبردی را اتخاذ می‌کنند و چه رویکردی را در پیش می‌گیرند؟

1. Georges Gurvich
2. structuralization
3. disstructuralization
4. restructuralization

پیشینه و ملاحظات نظری

تاکنون تحقیقات زیادی در مورد ازدواج و بررسی موانع و عوامل مؤثر آن انجام شده است و پژوهشگران بر عوامل مختلفی همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی، فردی و محیطی و شرایط جهانی تأکید کرده‌اند. آقاسی و فلاح مین‌باشی (۱۳۹۴) نگرش جوانان را در مراکز ده استان به روش پیمایش سنجیدند و دریافتند که حدود ۷۰ درصد پسران و ۶۴ درصد دختران و به‌ویژه افراد کم‌سن به ضرورت ازدواج باور دارند. ملاک انتخاب همسر برایشان به ترتیب دا داشتن شغل و درآمد کافی، تفاهم طرفین و عفت و پاک‌دامنی است و در حال حاضر جوانان بیشتر به دلیل پیدانکردن همسر دلخواه، نداشتن شغل و بالابودن هزینه زندگی مشترک ازدواج نمی‌کنند [۱]. سرایبی و اوچاقلو (۱۳۶۲) در شهر زنجان به این نتیجه رسیده‌اند که زنان متولد سنین پایین‌تر از سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ نمره ارزش‌گذاری کمتری (۲۵) نسبت به نسل قبل از خود در سال ۱۳۴۲ (۲۸) دارند [۱۷]. طیبی‌نیا (۱۳۹۳) تمایل ازدواج را در دختران بیشتر دانسته و مهم‌ترین موانع ازدواج را به ترتیب موانع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حاکمیتی و فردی دانسته است [۲۰]. توکلی (۱۳۹۵) در تحقیقی اقتصاد را دارای بیشترین ضریب تأثیر بر ازدواج می‌داند [۱۰]. صادقی و شکفته‌گوهری (۱۳۹۶) هم با تأکید بر امکان‌پذیری و ایجاد شرایط اجتماعی و اقتصادی، آن را از متغیرهای مهم تأثیرگذار بر ازدواج جوانان برشمرده‌اند [۱۹]. مهدوی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در مورد متغیرهای اثرگذار اظهار کرده‌اند که فردگرایی، تجددگرایی، بی‌اعتمادی اجتماعی از عوامل مهم در ایجاد بی‌رغبتی برای ازدواج جوانان است [۳۱]. در تأیید این نظر، گتسابی و غفاری (۱۳۹۰) در تحقیقی کمی در پنج شهر در میان دختران دریافتند دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند تحصیلات بالاتر و نگرش فرامادی به ازدواج دارند و معتقدند که با ازدواج برخی فرصت‌های زندگی از دست می‌رود [۲۳]. پارامترهای مهم دیگر همچون اعتقادات دینی و مذهبی، همسانی اقتصادی، شغل همسر و مراسم ازدواج اثرگذاری معناداری بر ازدواج نشان داده است [۱۳] هزینه مسکن نیز نقش تعیین‌کننده‌ای بر ازدواج جوانان دارد [۹]. با بهبود شاخص‌های توسعه و تغییر و تحولات نگرشی و رفتاری ناشی از آن، آرمان‌های افراد هم تغییر می‌کند. بر همین اساس، الگوی ازدواج مدرن‌تر می‌شود. متغیرهای جنس، سن، اولویت ارزشی، درآمد، میزان تحصیلات، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با الگوی ازدواج رابطه معنادار دارد [۲۲]. دلخموش (۱۳۹۲) هم در پیمایشی ملی به این نتیجه رسید که ازدواج جوانان مبتنی بر ارزش‌های خودپیروی و برابرنگری است [۱۲]. درحقیقت، این سبک از اندیشیدن مختص جوامع پس از شرایط سنتی است و افراد با نگرش‌های فردگرایانه‌تر به زندگی خود می‌نگرند و عمل می‌کنند. به همین دلیل یکی از عناصر بیرونی مؤثر برای جوامع تأثیرپذیر در تغییرات خانواده جهانی‌شدن است [۱۶]. محمدپور و همکاران وی (۱۳۹۳) نیز در بررسی عوامل فردی و محیطی مؤثر بر پایبندی به ازدواج، محیط

روستایی را به دلیل هم‌رنگی و یکنواختی بیشتر، محیطی پایبندتر به ازدواج دانسته‌اند. و به دلیل هم‌رنگی و یکنواختی بیشتر، نگرش زنان و مردان نسبت به ازدواج وجود دارد [۲۹]. مسعودیان (۱۳۹۵) هم تحصیلات، انتظارات فرد، نگرش مصلحت‌اندیشانه به خانواده و تعارض شغلی را از عوامل مهم در ازدواج برشمرده است [۳۰].

ازدواج دیر هنگام حاصل رشد اقتصادی و تغییر ارزش‌های فرهنگی است [۴۴]. در غرب، در سال ۱۹۶۰، متوسط سن اولین ازدواج برای مردان ۲۲/۸ و برای زنان ۲۰/۳ سال بود؛ اما در سال ۲۰۱۱ این رقم برای مردان به ۲۸/۷ و برای زنان به ۲۶/۵ رسیده است. از عوامل مهم در تعویق ازدواج اتمام تحصیلات دانشگاهی، به دست آوردن شغل و استقلال مالی است [۳۵]؛ [۴۷] و این مرحله‌ای از ظهور بزرگ‌سالی برای افراد محسوب می‌شود و مسیرهای شغلی و تصمیمات آینده را می‌سازد. تأخیر در ازدواج و زناشویی در حال حاضر عاداتی اجتماعی شده است؛ به‌ویژه برای کسانی که در پی تحصیلات عالی‌اند [۴۱؛ ۴۳]. در کشورهای مسلمان، همچون مالزی، زنان مجرد با وجود رضایت و احساس مثبت از وضعیت فعلی خود، به ازدواج دیدگاهی باز دارند و با نگاهی واقع‌گرایانه، اما باز، به ازدواج می‌اندیشند [۳۶]. در جهان عرب، ازدواج هنوز هدف زوج‌های جوان است و بسیار شبیه به وضعیت پیش از صنعتی شدن اروپاست که در آن بی‌نظمی و عدم دسترسی فرصت‌های اقتصادی امکان ازدواج را محدود می‌کرد [۳۹]. در کراچی پاکستان، تغییر پارادایم آموزش از پسران به دختران و افزایش تحصیلات دختران نسبت به هم‌تایان پسر به تغییر الگوی ازدواج در دو دهه اخیر منجر شده است. سن ازدواج دختران از ۱۶-۱۸ به ۲۵-۳۰ سال رسیده و احتمال ازدواج مجدد دختران وجود دارد. الگوی ازدواج بر باروری تأثیر منفی دارد و تأخیر در ازدواج برخی مسائل اجتماعی و روانی میان دختران و والدین را ایجاد کرده است [۳۹]. در چین، میانگین سنی دختران و پسران به ترتیب ۲۲/۲۶ و ۲۵/۲۶ سال شده و برون‌همسری از ۰/۱۹ به ۰/۶۲ رسیده است [۳۷]. در مالزی، ۵ درصد زنان مجرد بالای ۴۰ سال‌اند و در فیلیپین اعضای گروه‌های اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر زودتر از بقیه ازدواج می‌کنند، با این امید که منابع مالی خود را با ازدواج تأمین کنند و اوضاع بهتری پیدا کنند. در سنگاپور، به داشتن فرزند توجه می‌شود؛ درحالی‌که سن ازدواج رو به افزایش است [۴۰].

با مروری بر پیشینه، نمایان است که همانند بسیاری از کشورهای غربی که رویکردهای جدید را در مورد ازدواج تجربه کرده‌اند، کشورهای آسیایی در حال توسعه نیز، بنا به دلایل متعدد، شاهد رشد سن ازدواج بوده و هریک دلایل اجتماعی و محیطی خود را دارند.

به دلیل ماهیت کیفی پژوهش، اساس فعالیت مبتنی بر چارچوب نظری نیست، اما مروری به برخی نظریه‌ها به‌عنوان استندهای پژوهشی را لازم می‌دانیم.

به‌زعم گیدنز، اگرچه نمی‌توان تغییرات عمده در ماهیت ازدواج و خانواده را نادیده گرفت

[۲۴]، امروزه تناقضی آشکار در درون خانواده مدرن وجود دارد. از سویی، برای تشکیل خانواده به منزله بنایی جمع‌گرایانه به ارزش‌هایی همچون وفاداری، فداکاری، صداقت و مسئولیت‌پذیری و پذیرفتن برخی محدودیت‌ها نیاز است. در حالی که توسعه ارزش‌های مادی و مدرن در درون خانواده و گسترش فردگرایی، لذت‌خواهی، تنوع‌طلبی، مصرف‌گرایی و... امکان غلبه ارزش‌های جمع‌گرایانه را کاهش می‌دهد. این تناقض بحران و تهدیدی برای نهاد خانواده ایجاد می‌کند [۱۱]. در پی این تحولات، ورود الگوهای پست‌مدرن در خانواده و عناصری همچون زندگی مشترک بدون ازدواج و صورت‌های دیگر زناشویی، اشکال جدید روابط میان جنس‌ها را نهادی ساخته است. بدین ترتیب افراد الگوهای سنتی را کنار می‌زنند و نسبت چشمگیری از آنان، زندگی خود را براساس الگوهای جدید بنا می‌گذارند [۲۸]. براساس آخرین گزارش اداره آمار ایالات متحده، جمعیت زندگی مشترک بدون ازدواج در سال ۲۰۱۰، حدود ۷٫۷ میلیون نفر بوده است و بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ به میزان ۴۱ درصد افزایش یافته است [۴۹].

در مورد خانواده، رویکردهای نظام اجتماعی^۱، ساختار اجتماعی^۲، کنش اجتماعی^۳ در سال‌های اخیر به اندیشه‌های پساساختارگرایی^۴ و پسامدرن^۵ میشل فوکو^۶ و آنتونی گیدنز^۷ می‌توان اشاره کرد. به نظر تونیس، به دنبال تغییرات تدریجی حاصل از مدرنیته در جامعه، از قدرت و نفوذ گروه‌های اولیه، که نمونه بارز آن نهاد خانواده است، در کنار سایر گروه‌ها کاسته شده است [۱۸]. ماکس وبر هم از دو وجه عقلانیت و غیر عقلانیت به افزایش فردگرایی و ماهیت نظم اخلاقی، که بر جامعه حاکم شده بود، اندیشه خوش‌بینانه‌ای نداشت [۵]. در تعامل بین ساختار و کنش، دو دیدگاه ساختارگرا، نظام اجتماعی و کنش اجتماعی قابل تبیین است. در دیدگاه ساختارگرا بر نظام اجتماعی و ساختارهای کلان تأکید می‌شود. از طریق تأکید بر جامعه، رفتار افراد به وسیله نیروهای اجتماعی تحدید و کنترل می‌شود. در مقابل، دیدگاه کنش اجتماعی بر کنش و نقش افراد در جامعه و توانایی آن‌ها در درک از موقعیت‌ها و شکل‌دهی رفتار اجتماعی‌شان تأکید دارد. در حالی که رویکرد سیستمی به‌رغم پذیرش قدرت افراد در تصمیم‌گیری ساختارهای اجتماعی را مهم می‌داند. جامعه‌شناسی ساختاربندی آنتونی گیدنز بر این باور است که تئوری‌های کنش و نظام اجتماعی هر کدام بر یک بعد از ابعاد زندگی اجتماعی انسان توجه دارد. در جست‌وجوی وحدت‌بخشیدن به ساختار و کنش و به دست آوردن تصویر کامل از پدیده‌ها باید هر دو جنبه آن مطالعه شود [۲۸]. دومین تغییر، که ویژگی دهه ۱۹۶۰ و

-
1. Social System
 2. Social Structure
 3. Social Action
 4. Substructure
 5. Postmodern
 6. Michel Foucault
 7. Antony Giddens

۱۹۷۰ است، رشد سریع طلاق، کاهش زادوولد و ازدواج دیرهنگام، رواج هم‌خانگی قبل از ازدواج و افزایش فرزندهای خارج از ازدواج را می‌توان نام برد. دیدگاه نوسازی سه جریان اصلی صنعتی‌شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی عامل تغییرات ساختاری در جامعه و تغییر در خانواده و الگوهای ازدواج می‌داند [۱۴]. هوزلیتز^۱ نیز انتقال جامعه سنتی به مدرن را همراه حذف الگوهای سنتی می‌داند [۵].

کلمن^۲ در نظریه انتخاب عقلانی اساس بررسی و تحلیل را بر کنشگر و منافع او قرار می‌دهد. کنشگر مناسب‌ترین وسایل و ابزار را برای دستیابی به هدف انتخاب می‌کند. بنتام^۳ مدعی بود که هر فرد در پی حداکثرکردن سود خود است و در یک شبکه ارتباطی منافع خود را در پیوند با منافع دیگران تعریف می‌کند. در انتخاب عقلانی، همه افراد فرصت‌های مساوی برای انتخاب ندارند، زیرا بهایی که افراد باید برای به دست آوردن فرصت‌های متفاوت بپردازند متفاوت است و برای عده‌ای موجب محدودیت انتخاب می‌شود [۱۲]. از نظر دیکسون^۴، سه متغیر اصلی شامل دسترسی، امکان و تمایل بر الگوی ازدواج تأثیرات ساختاری دارد. دسترسی به نسبت میزان توانی است که برای افراد به لحاظ سنی و جنسی در دستیابی به جنس مخالف وجود دارد. همچنین به امکان فرد در داشتن اولین توانایی‌ها در اداره زندگی و کسب درآمد و معاش از طریق شغل و کسب و کار دلالت می‌کند. متغیر تمایل هم از طریق سیستم فشار اجتماعی و پاداش و تنبیه عمل می‌کند [۳۳] و برای فرد آینده‌ای همچون عشق و محبت، توالد و تناسل یا مجرد قطعی و انزوای اجتماعی و بی‌فرزندی پیش رو قرار می‌دهد.

روش تحقیق

در ایران، بسیاری از تحقیقات در حوزه خانواده با روش کمی انجام شده است. ساروخانی بر این عقیده است که تحقیقات کیفی هم روند و هم عمق را نشان می‌دهد. باید به ابزار تحقیق در مورد خانواده تنوع ببخشیم [۲۷]. تحقیق کیفی برگرفته از واقعیت‌های روزمره است. شناخت زیست‌جهان‌های متفاوت در فضای متکثر کنونی با پژوهش‌های کمی به‌تنهایی کارساز نیست. بنابراین، با رویکرد کیفی پدیده ازدواج را مورد واکاوی عمیق‌تری قرار داده‌ایم تا به لایه‌های زیرین ذهن جوانان و بازنمایی کنشی آن‌ها پی ببریم. مطالعه حاضر بر پایه رویکرد کیفی در پی شناخت درک و معنای ازدواج نزد جوانان است. درحقیقت، درک عمیق و جامع پدیدارها رسالت پژوهش کیفی است [۴۷] و با قصد شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی افراد در یک موقعیت خاص است. رهیافت پژوهش مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی است. براساس مدل

1. Hoselitz
2. James Colman
3. Bentham
4. Dicson

کرسول^۱ (۲۰۰۷) استراتژی این روش، فهم ماهیت و جوهر یک تجربه مورد نظر محقق است، شامل مطالعه عده‌ای از کنشگران که صاحب تجربه مشترکی از پدیده هستند و با روش‌های مصاحبه و مشاهده و از طریق تجزیه و تحلیل تماتیک از تم‌های به‌دست‌آمده برای گزاره‌های مهم، واحدهای معنا و توصیفات ساختاری و متنی در توصیف جوهر پدیده به دست می‌آید [۷]. بر همین مبنا، تکنیک گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته است. نمونه‌ها براساس نمونه‌گیری نظری و با استفاده از روش‌های ساده و مبتنی بر هدف انتخاب شدند. در نمونه‌گیری هدفمند، محقق براساس ویژگی‌های مورد نظر جمعیت مورد مطالعه را انتخاب می‌کند [۴۲]. نمونه‌گیری نظری نیز مبنایی برای انتخاب تدریجی نمونه‌هاست؛ به‌طوری‌که هریک سهمی در دستیابی به سازه‌های نظری ایفا می‌کنند. تا جایی که، اشباع نظری^۲ اتفاق می‌افتد و مطلب تازه‌تری به داده‌های قبل اضافه نمی‌کند. بنابراین، در پژوهش کیفی حجم نمونه در روند تحقیق مشخص می‌شود و میزانی از قبل تعیین شده نیست. گردآوری کامل [۲۱] به معنای بیشترین تنوع در نمونه‌گیری هدفمند می‌تواند بر گردآوری اطلاعات متنوع‌تر کمک کند. در این تحقیق، میدان تحقیق مناطق مختلف شهر تهران و مشارکت‌کنندگان دختران و پسران مجرد ساکن شهر تهران است. در حین گردآوری نمونه، به دلیل رعایت حداکثر تنوع، سعی شد سطح زندگی، به‌ویژه منطقه سکونت، شکل ظاهری پوشش، به‌ویژه برای دختران و زنان، وضعیت تحصیلی (دانشجو بودن یا نبودن)، شغل (شاغل یا بیکار بودن)، سن جوانان، افراد در سن ازدواج از کمترین تا سنین بالاتر، در نمونه‌ها در نظر گرفته شود. مشارکت‌کنندگان از مناطق و بخش‌های مختلف شهر تهران شامل شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکزی شهر و مناطق ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۲۱ و ۲۲ هستند. به دلیل تصادفی نبودن نمونه‌ها، همانند قاعده موجود در پژوهش کیفی، نتایج قابل تعمیم نخواهد بود.

نکته درخور ذکر و مهم اعتبارسنجی و صحت یافته‌هاست. به همین منظور در وهله اول با متخصصان همکار مشورت شد و درنهایت نیز برای دستیابی به سنجش عینی، یافته‌ها از سوی چند متخصص در این حوزه ارزیابی شد.

یافته‌های پژوهش

براساس جدول ۱، مشارکت‌کنندگان ۲۸ نفر، شامل ۱۸ مرد و ۱۰ زن، در گروه‌های سنی ۱۸ تا ۳۵ سال‌اند. اکثر افراد تحصیلات دانشگاهی دارند و شاغل‌اند یا دانشجو، بیکار و سربازند.

1. Creswell, J. W
2. theoretical saturation

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌گویان

تعداد مشارکت‌کنندگان		متغیرهای زمینه‌ای	
۱۸	مرد	جنس	
۱۰	زن		
۸	۱۸-۱۹	گروه سنی	
۹	۲۰-۲۴		
۷	۲۵-۲۹		
۴	۳۰ و بیشتر		
۷	دیپلم	تحصیلات	
۴	کاردانی		
۱۰	کارشناسی		
۷	کارشناسی ارشد		
۱۱	شاغل	شغل	
۱۰	دانشجو		
۶	بیکار		
۱	سرباز		
۲۸	جمع		

معناشناسی ازدواج نزد مشارکت‌کنندگان

در مرحله مصاحبه عمیق با مشارکت‌کنندگان، چگونگی درک آنان به ازدواج واکاوی شد. سؤال اصلی این بود که ازدواج را چگونه می‌بینید؟ چه درکی از مفهوم ازدواج دارید؟ چرا به این درک رسیده‌اید و چه عواملی در آن دخیل‌اند؟ خود چگونه با این موضوع مواجه می‌شوید و براساس جنسیت و شرایطی که دارید چه راهبردی را اتخاذ می‌کنید؟

طبق جدول ۲، گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌های انجام‌شده در مرحله کدگذاری باز به ۲۸ مفهوم و در کدگذاری محوری مفاهیم به ۵ مقوله تبدیل شد. در پیوستار معنایی و خط سیر داستان در نهایت مقوله هسته‌ای پژوهش «واپس‌زدگی»^۱ از ازدواج نمایان شد که اکثریت مشارکت‌کنندگان تحقیق را دربرمی‌گیرد. از میان ۲۸ نفر مشارکت‌کننده، دو نفر ازدواج را امری ضروری و مفید تلقی کرده و آن را رمز موفقیت برشمرده‌اند که به دلیل امانت‌داری در داده‌های تحقیق به آن اشاره شده است. این موضوع حاکی از آن است که در میان جوانان دیدگاه

1. backwardness

ضرورت‌انگارانۀ ازدواج هم وجود دارد و به ازدواج به‌منزله موضوعی تعالی‌بخش می‌نگرند. اما این افراد نیز همانند دیگران به مشکلات قبل و بعد از ازدواج اشاره می‌کنند و خود را فارغ از آن نمی‌دانند. «ف»، دختر، ۳۰ ساله، دارای مدرک کارشناسی ارشد، ساکن منطقه ۲۲، شاغل در ارگان دولتی بر این باور است که:

ازدواج حتماً باید اتفاق بیفته. اگر خانمی در بالاترین مرتبه شغلی و علمی باشه، اگر ازدواج نکرده باشه، خلالتی در زندگی‌ش هست... برای آرامش، کمال و موفقیت ازدواج لازمه. ولی در شرایط فعلی، خانمی بخواد متناسب با موقعیتش ازدواج کنه ممکنه که پیش نیاد. من آدم‌هایی که سر راهم قرار می‌گیرن، اندازه خودم نیستن. این باعث می‌شه که من ازدواج رو کنار بذارم و بی‌خیال بشم.

بنابراین، برخی دختران به دلیل داشتن تحصیلات و شغل بالاتر در انتظار پسری حداقل با ویژگی‌های هم‌ترازند و به‌رغم اینکه به ازدواج می‌اندیشند و آن را ضروری می‌دانند، موقعیت ازدواج مناسب را نمی‌یابند و از ازدواج با شرایط ناخواسته سر باز می‌زنند.

همچنین «الف»، دختر، ۳۲ ساله، ساکن منطقه ۵، شاغل و دارای مدرک کارشناسی ارشد با وجود تأکید بر اهمیت ازدواج همانند بسیاری دیگر از مشارکت‌کنندگان به عوامل اثرگذار همانند تنبلی، دروغ‌گویی و خیانت از سوی پسران اشاره دارد که مانع از اعتماد او برای انتخاب است:

پسرها تنبل شده‌ان... خواستگارم می‌گفت حقوقتون چقدره؟ من با این شرط اومدم که شما شاغل هستید. و می‌گفت شما ارتتون رو دریافت کرده‌این؟! پسرها خیلی تنبل و دروغ‌گو شده‌ان. اول خودشون رو خیلی خوب جلوه می‌کنن، ولی بعد که تو زندگی‌هاشون می‌بینی... مردهایی که زن و بچه دارن ولی دوست‌دختر هم دارن.

بدیهی است هسته تحقیق بیشترین درجه شمول مفاهیم را دربردارد که به تشریح و تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

جدول ۲. معنای ازدواج از دیدگاه مشارکت‌کنندگان

مقوله هسته‌ای	مقوله	مفاهیم
واپس‌زدگی	بی‌میلی	۱. بی‌نیازی ۲. بی‌معنی ۳. نامناسب ۴. مانع پیشرفت ۵. دل‌زدگی ۶. زود بودن
	ترس	۱. سخت ۲. کابوس ۳. بزرگ‌بینی ۴. تلخ ۵. طلاق و تجربه ناموفق اطرافیان ۶. سخت‌گیری خانواده‌ها ۷. امر ناشناخته
	افول ارزش فرامادی	۱. بی‌اعتمادی ۲. بی‌تعهدی ۳. خیانت
	لذت‌گرایی	۱. راحت‌طلبی ۲. مانع لذت و جوانی ۳. انتظارات بالا ۴. تنوع‌طلبی ۵. تعهدآور ۶. مسئولیت‌آور ۷. امر تکراری
ضرورت‌انگاری	ضرورت	۱. ضرورت ۲. کمال‌آور ۳. آرامش‌بخش ۴. نیاز ۵. جبران‌خلأ



شکل ۱. مفهوم‌سازی و تم‌های حاصل از مفاهیم

رویکرد معنایی «واپس‌زدگی» مشارکت‌کنندگان به ازدواج را می‌توان در ساختار چهار مقوله اصلی تفکیک کرد: ۱. بی‌میلی، ۲. ترس، ۳. افول ارزش فرامادی، ۴. لذت‌گرایی. ۱. بی‌میلی: بی‌میلی^۱ به ازدواج یکی از واکنش‌های مهم عموم کنشگران مطالعه‌شده است.

1. reluctance

فرد به واسطه وجود مشکلات عدیده برای ازدواج- اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی- تصمیم می‌گیرد به آن کمتر فکر کند و درحقیقت نادیده‌اش بگیرد. خود را به بی‌توجهی می‌زند و وانمود می‌کند که به این مسئله بی‌میل است. درحقیقت، در نوعی انتخاب عقلانی به دلیل عدم دسترسی، مشکلات، سختی‌ها، پیامدهای شناخته و ناشناخته، قرار عقل را بر بی‌اعتنایی به ازدواج می‌گذارد. کسانی که احساس بی‌نیازی از ازدواج می‌کنند، رویکردهای مختلفی دارند. برخی فکر می‌کنند هنوز سن آنان برای ازدواج مناسب نیست. برخی دیگر به دلیل عدم احساس آمادگی در خود، یا به علت سنت خانوادگی آنان، که ازدواج دیرنگام امری مورد پذیرش است، ازدواج را در اولویت قرار نداده‌اند؛ مثلاً، «آ»، دختر، ۱۹ ساله، ساکن منطقه ۲ و در انتظار ورود به دانشگاه چنین می‌گوید:

در شرایط فعلی به ازدواج فکر نمی‌کنم و دلم هم نمی‌خورد. خانواده‌ام کلاً دیر ازدواج می‌کنن و ایده‌شون اینه که دختر و پسر اول باید زندگی‌شون رو و جوونی‌شون رو بکنن، اصلاً دغدغه ندارم و در دوستی با کسی هم فکر نمی‌کنم که باهاش ازدواج کنم.

از سویی برخی ازدواج را مانعی برای پیشرفت تحصیلی و شغلی خود می‌دانند و برای آن زمان تعیین می‌کنند. اینان نیاز خود را یا سرکوب می‌کنند، یا به‌گونه‌ای دیگر با جایگزین‌هایی به‌جز ازدواج مرتفع می‌کنند. از نظر آنان، برنامه‌های دیگری حداقل تا سن سی‌سالگی وجود دارد که در اولویت‌اند و ازدواج مانع از رسیدن به آنهاست؛ مثلاً، «پ»، پسر، ۲۷ ساله و کارشناسی ارشد می‌گوید:

ازدواج یک نیازه، ولی من خودم هدف‌هایی بالاتر و مقدم‌تری دارم که تا ۱۰ سال دیگه به ازدواج فکر نمی‌کنم. نیازی احساس نمی‌شه، بیشتر نیازهای دیگه مثل علمی و درسی مطرحه.

یکی از پسران ۲۵ ساله، که خود را برای آزمون وکالت آماده می‌کند، نیز چنین می‌گوید:

ازدواج رو مانع پیشرفت خودم از جهت علمی می‌بینم. اطرافیانم که از نظر علمی قوی بوده‌ان ازدواج کرده‌ان و باعث شده به جایگاهی که حقشون بوده نرسن. دغدغه‌هایی که پیش می‌آد مثل خرج خونه، مسائل دیگه، من خودم حداقل تا ۱۰ سال آینده فکر نمی‌کنم ازدواج کنم.

برخی با عقاید افراطی به این بی‌نیازی ازدواج را فاقد هرگونه معنا و دلیل آن را تکرارپذیری می‌دانند و از نظر آنان چه لزومی به این تکرار؟! این افراد بر این عقیده‌اند که با یک نفر یک عمر زندگی کردن بیهوده و بی‌معناست و در کنار او احساس عشق جای خود را به تکرار می‌دهد و اجباری به تکرار این امر نیست. «ف»، پسر، ۲۷ ساله، کارشناسی ارشد، حسابرس و ساکن منطقه ۱۴ چنین اظهار نظر می‌کند:

به نظرم کار مناسبی نیست. نظر خوبی ندارم. چیز بی‌معنی می‌دونم.

تجارب تلخ دیگران و سختی‌های ازدواج، جوانان را از ازدواج دور و آنان را بی‌میل کرده است. «ز»، دختر، ۱۸ ساله و دانشجوی سال اول، ازدواج را این‌گونه می‌بیند:

اصلاً به ازدواج فکر نمی‌کنم چون قصدش رو ندارم. ازدواج اطرافیانم رو می‌بینم که ناموفقه.

۲. ترس: ترس^۱ یکی از دلایل مهم برای دوری‌گزیدن از ازدواج در مشارکت‌کنندگان است. به دلیل سختی ازدواج و تجربیات افراد نزدیک، ترجیح می‌دهند به آن نزدیک نشوند و ازدواج را سخت با فرجامی تلخ می‌دانند. «ع»، پسر، ۲۴ ساله، دیپلمه، ویزیتور و ساکن منطقه ۸ می‌گوید:

اون قدر مقوله بزرگیه که نمی‌شه بهش فکر کرد. طرز فکرم اینه که دو تا آدم بدبخت بشن. چون هر کسی رو می‌بینم همینه.

همچنین تصویری که افراد از خانواده طرفین دارند و به‌ویژه سختگیری‌هایی که از سوی خانواده‌ها صورت می‌گیرد، رویارویی با ازدواج را سخت می‌دانند. «ف»، پسر، ۱۹ ساله، که چند سالی نیز در کشوری اروپایی زندگی کرده، فروشنده، با مدرک دیپلم و ساکن منطقه ۲ می‌گوید:

من در حال حاضر هیچ‌وقت قبول نمی‌کنم. از ازدواج یک غول بزرگ از خانواده طرف تو ذهنمه.

«آ»، دختر، ۱۹ ساله و ساکن منطقه یک تهران از سختی و ترس از ازدواج چنین تصویری دارد:

برادرم زمانی که با همسرش دوست بودن، خیلی خوب بود، ولی وارد زندگی که شدن، خیلی سخت شد.

«پ»، دختر، ۱۹ ساله، دانشجو، ساکن منطقه یک هم در این رابطه می‌گوید:

تا قبل از ۳۰ سالگی خونه بابا همه‌چی هم برات مهیاست. ترجیح می‌دم این رابطه رو از دست ندم.

گاه ترس فرد رابطه با مخاطبی است که او را کامل نمی‌شناسد و نمی‌داند با چه کسی زندگی زیر یک سقف را آغاز می‌کند:

رابطه‌ای که خیلی سخته و مسئولیت داره، ممکنه این یک نفر مثل پدر و مادر از آب درنیاد («پ»، ۱۹ ساله).

جوانان ازدواج را توأم با سختی، مشقت، رنج، دلواپسی از خیانت طرف مقابل و فضای بی‌اعتمادی به‌واسطه بی‌تعهدی به زندگی زناشویی می‌بینند. «س»، دختر، ۳۱ ساله، پرستار و ساکن منطقه ۱۰ بر این باور است که:

هرکی ازدواج کرده، ۲-۳ سال بعد جدا شده. با این دنیای مجازی، هرکسی سرش گرمه و داره خیانت می‌کنه. واقعاً از ازدواج می‌ترسم.

«م»، پسر، ۳۲ ساله، کارشناسی ارشد، شاغل و ساکن منطقه ۲۱ می‌گوید:

همه ترس دارن. فکر اینکه قبلش رابطه داشته، من از این طریق با این فرد آشنا شدم احتمال داره در آینده کسی دیگه باهاش دوست بشه.

۳. **افول ارزش‌های فرامادی:** تنوع‌خواهی مردان و روابط فرزاناشویی خارج از چارچوب خانواده دیدگاه مشارکت‌کنندگان را به ازدواج تغییر داده و با نگرانی از آینده سخن می‌گویند؛ هنگامی که دل‌سپردگی و دلدادگی‌های آتشین ابتدای زندگی جای خود را به سردی و بی‌تفاوتی می‌دهد و ارزش‌هایی همانند سازگاری، وفاداری، تعهد کم‌رنگ می‌شود. پسران دختران را به منفعت‌طلبی و مادی‌گرایی و دختران پسران را به تنوع‌خواهی متهم می‌کنند. به یکدیگر اعتماد ندارند. هر دو یکدیگر را به بی‌تعهدی و عدم پایبندی به دوستی و تعهدات زناشویی متهم می‌کنند. «س»، دختر، ۳۱ ساله، پرستار و ساکن منطقه ۱۰ می‌گوید:

وقتی کسی ازدواج می‌کنه تعهدی داره، ولی الان مد شده که اصلاً تنوع می‌خوان و نمی‌تونن با یک نفر بمونن. ما زنان روحیه حساسی داریم و زده می‌شیم و (در مقابل بی‌تعهدی) اصلاً طرف مقابل رو نمی‌تونیم تحمل کنیم. این می‌شه که مجبور می‌شن کار شوهرشون رو تلافی کنن.

برخی افراد ازدواج را بی‌معنا تلقی می‌کنند و بر ناپایداری آن اذعان دارند:

دو تا آدم باهم ازدواج می‌کنن که تا آخر عمرشون باهم باشن. خیلی از آدم‌ها نمی‌تونن و از بودن کنار هم لذت نمی‌برن («ف»، پسر، ۲۷ ساله، کارشناسی ارشد حسابرسی و ساکن منطقه ۱۴).

۴. **لذت‌گرایی^۱:** راحت‌طلبی و تنوع‌خواهی در زندگی و ارتباط با جنس مخالف از زیرمقوله‌هایی است که به دلیل حس راحتی و سرخوشی که فرد به نحوی در جست‌وجوی آن است، در مقوله لذت‌گرایی دسته‌بندی شده است. زندگی مدرن در جهان امروز قواعد فردگرایی را در جامعه حاکم کرده و هرکس قبل از اجرای انتظارات اجتماعی، به خواسته‌های فردی خود اهمیت می‌دهد. راحت‌طلبی خواسته اولیه افراد است. برخی زندگی و راحتی و آسایش در خانه پدر را به دلیل عدم مسئولیت‌پذیری بر ازدواج ترجیح می‌دهند:

تا وقتی شرایط خوب باشه می‌خوام خونه پدرم بمونم. خونه پدر و مجردی راحت‌تره («آ»، دختر، ۱۹ ساله، دانشجوی پرستاری و ساکن منطقه یک).

فرزندمحوری حاکم بر خانواده در نسل فعلی باعث شده دختران با در اختیار داشتن امکانات زندگی و برآورده شدن بدون تأخیر نیازها از سوی پدر و مادر، با انتظارات بالا وارد زندگی مشترک شوند. آن‌ها زندگی نوپای خود را با زندگی والدین مقایسه می‌کنند و پسران از انتظارات بالای دختران در هراس‌اند.

از سوی دیگر، تنوع‌خواهی و لذت‌جویی، که در برخی جوانان به‌ویژه برخی پسران ایجاد

شده، باعث ایجاد نگرانی است. «پ»، دختر، ۱۹ ساله، دانشجوی و ساکن منطقه یک بر این نظر است که:

اون جور که می‌گن طرف ازدواج کنه سلامت اخلاقی جامعه تضمین می‌شه، این‌طور نیست. چون خیلی‌ها رو می‌بینی که زن و بچه دارن، ولی چشمشون دنبال ناموس مردمه.

«ع»، ۲۴ ساله، ویزیتور و ساکن منطقه ۸ می‌گوید:

الان اگر ۱۵۰ میلیون داشتیم، از ۲۰ نفر همسن خودم بپرسید، ۱۹ نفر می‌گن برو عشق و حال کن... ۵۰ تومن یک خونه بگیرم و ۱۰۰ تومن ماشین، برم عشق و حال. تعدد و تنوع دوست‌دختر که صد در صد هست. آدم‌ها از هم خسته می‌شن. واقعاً الان ازدواج یک چیز الکی شده. بیرون همه‌چیز هست. احساسات، رابطه... فرد خارج از ازدواج خیلی راحت‌تر می‌تونه به تأمین یک‌سری از نیازهای عاطفی، جنسی و جسمی برسه.

در تأیید مطلب ذکر شده می‌توان به گزاره مشارکت‌کننده دیگر اشاره کرد. «س»، پسر، دانشجوی، ۲۲ ساله و ساکن منطقه ۱۷ می‌گوید:

پسرا فکرشون تو ازدواج نیست. به این فکر می‌کنن که ما جوونیم با یک دختر دوست می‌شیم. می‌ریم عشق و حال، بیرون و کلی جوونی می‌کنیم و ۳۰ سال به بعد هم ازدواج می‌کنیم.

شایان ذکر است که در هریک از چهار مقوله به‌دست‌آمده، دختران و پسران از نظریه جنسیتی هریک به نوعی در حال تجربه بی‌میلی به ازدواج‌اند؛ مثلاً، عامل اقتصادی برای پسران از عوامل بسیار مهم تلقی می‌شود؛ هرچند سایر عوامل نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. درحالی‌که دختران در این زمینه چندان نگران مسائل مالی نیستند. این تفاوت‌ها در ادامه مقاله توضیح داده خواهد شد. نکته حائز اهمیت اینکه میان افراد در سن بالاتر یا پایین‌تر، مدرک تحصیلی دیپلم یا دانشگاهی، شاغل یا غیرشاغل، ساکن در مناطق مختلف شهر، به‌گونه‌ای پرهیز از مواجهه با ازدواج وجود دارد. فردی که به بخشی از اهداف شغلی و تحصیلی خود رسیده است، عوامل فرامادی را بیشتر ارج می‌نهد و فردی که مشکلات اقتصادی دارد، به هر دو عامل مادی و فرامادی می‌اندیشد.

دلایل معنایی مشارکت‌کنندگان از ازدواج

در بررسی دلایل مؤثر مشارکت‌کنندگان بر چگونگی درک آنان از ازدواج، در کدگذاری باز ۳۱ مفهوم استخراج شد و در کدگذاری محوری مفاهیم به ۶ زیرمقوله و ۳ مقوله اصلی تبدیل شد که در جدول ۳ نمایان است.

جدول ۳. دلایل معنایی ازدواج از دیدگاه مشارکت‌کنندگان

مقوله	مفاهیم	زیرمقوله‌ها
الگوی معیشتی	۱. شغل ۲. پول و درآمد ۳. ضعف درآمد خانواده و ناتوانی در حمایت مالی فرزند ۴. نبود امنیت مالی	اقتصاد نایمن مرد
	۱. تأمین مسکن ۲. گرانی ۳. مخارج و هزینه‌ها ۴. تجملات و چشم و هم‌چشمی ۵. توان ایجاد آسایش برای همسر ۶. توان مدیریت زندگی ۷. امکانات زندگی	توان مدیریت هزینه‌ها
	۱. جایگاه زنان ۲. درآمد زنان	استقلال مالی زنان
مناسبات ارزشی نوپدید	۱. اخلاق ۲. دروغ ۳. نوجویی و تنوع‌خواهی ۴. خیانت ۵. بی‌اعتمادی ۶. عدم جذابیت جنس مخالف ۷. تمایل به خوش‌گذرانی (راحت‌طلبی) اجتناب از سختی زندگی ۸. بی‌تعهدی ۹. اصالت خانوادگی	ارزش‌های اخلاقی
مناسبات اجتماعی-ارتباطی	۱. شرایط متفاوت فرهنگی در کلان‌شهر ۲. دانشجویی و تحصیلات دانشگاهی ۳. اهداف ۴. سرپازی ۵. طلاق ۶. تجربه ازدواج دیگران ۷. فراغت زیاد جوانان	وضعیت اجتماعی
	۱. دسترسی راحت به جنس مخالف ۲. گریز از محدودیت	وضعیت ارتباطی

۱. الگوی معیشتی شامل: الف) اقتصاد نایمن مرد، ب) هزینه‌ها و پ) جایگاه و استقلال مالی زنان؛
۲. مناسبات ارزشی نوپدید (ارزش‌های اخلاقی)؛
۳. مناسبات اجتماعی و ارتباطی شامل: الف) وضعیت اجتماعی و ب) وضعیت ارتباطی.

۱. الگوی معیشتی

الف) اقتصاد نایمن^۱ مرد: نبود امنیت مالی برای شروع و اداره زندگی مشترک، نداشتن شغل مناسب و درآمد کافی و دائمی پسران یکی از مشکلات اساسی برای ازدواج است. برخی مشارکت‌کنندگان شاغل، شغل مناسب و با درآمد مکفی ندارند. این موضوع نه تنها از نظر پسران مهم و سرنوشت‌ساز است، بلکه دختران نیز امنیت مالی در زندگی را بسیار مهم و جدی می‌دانند. «م»، دختر، ۲۳ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد و ساکن منطقه ۱۷ می‌گوید:

شغل خیلی مهمه. شغلی که بشه اعتماد کرد و زندگی رو شروع کرد. با احساس نمی‌شه همه‌چی رو پیش برد. اگر یک نفر خوب باشه ولی شغل نداشته باشه، زندگی‌شون دوام نداره. مسائل مالی... صد در صد نیست، ولی مهمه.

از نظر شرع و عرف، مرد باید زندگی‌ای در شأن دختر فراهم کند. دختران راغب‌اند با کسی ازدواج کنند که امکانات زندگی حداقل برابر با وضعیت مالی خانه پدر را برای آنان ایجاد کند. «ز»، دختر، ۱۸ ساله، دانشجو و ساکن منطقه ۱۴:

خانواده‌ام متوسط رو به بالاست. همه شرایط رو می‌خوام. کار، خونه داشته باشه... اگر ندارن، حمایت خانواده لاقبل باشه. ظلمه که دختر بره خونه شوهرش سختی بکشه. در میان مشارکت‌کنندگان، به‌ویژه پسران، در مناطق مختلف، اکثر خانواده‌ها فاقد توان حمایت مالی از جوانان‌اند و امکان اجابت خواسته‌های آنان را ندارند:

پسر بیشتر مشکل داره. من دانشجو‌ام، پدرم شرایط مالی آن‌چنانی نداره که بتونه ما رو حمایت کنه. حداقل سی‌سالگی بتونیم ازدواج کنیم. خیلی شرایط که باید قبل از ازدواج فراهم کنی. خونه، شرایط مالی خوب، ... خانواده نداره، پدر کارگره و زندگی عادی رو به زور می‌چرخونه («س»، پسر، ۲۲ ساله، دانشجو و ساکن منطقه ۱۷).

در مقابل کم‌توانی پسران برای تأمین مخارج زندگی، زنان و دختران به دلیل فرصت‌های ایجادشده برای آنان در ادامه تحصیلات و مدارج دانشگاهی و داشتن فرصت شغلی و کسب درآمد به هر زندگی تن نخواهند داد و چه بسا که یکی از پشتوانه‌های زنان در ازدواج‌نکردن یا جدایی و طلاق، استقلال مالی آنان باشد. «پ»، دختر، ۱۹ ساله، دانشجو و ساکن منطقه یک می‌گوید:

خانم‌ها می‌گن برای چی باید تحمل کنن. وقتی می‌تونن کار کنن و درآمد داشته باشن. برای چی با مردی بمونم که اذیتم می‌کنه، می‌رن طلاق می‌گیرن.

ب) توان مدیریت هزینه‌ها: هزینه‌های تأمین زندگی، همچون مسکن- شخصی یا اجاره‌ای- تأمین اقتصادی و فراهم کردن دخل و مخارج زندگی و از سویی درآمد ناکافی و گرانی سرسام‌آور هزینه‌های زندگی، جوان امروز را به ازدواج بی‌میل کرده است:

الان مهم‌ترین چیز پول. پول داشته باشی، زن می‌گیری. همه کار می‌کنی. برای تسهیل در ازدواج اگه می‌خوان کاری بشه، اول باید اقتصاد رو خوب کنن. برادرم ۸۸ عاشق شد و ۹۴ ازدواج کرد. بعد از ۶ سال تونستن ازدواج کنن («ع»، ۲۴ ساله، ویزیتور و ساکن منطقه ۸).

از نظر مالی، توقع خونه بزرگ، ماشین، درآمد بالا، ماهی فلان قدر براش خرج کنی، با سطح درآمدی که اکثرأ در این منطقه دارن، فکر نکنم کسی بتونه («م»، پسر، ۲۱ ساله، دانشجو و ساکن منطقه ۱۷).

بسیاری از دختران همسری می‌خواهند که بتواند بر مشکلات زندگی فائق آید و توان مقابله و رویارویی با آن‌ها را داشته باشد. مهم این است که پسر اهل کار باشد و توان اداره زندگی را داشته باشد:

شرایط سخت در زندگی هست. باید بتونه زندگی رو بچرخونه. اگر خونه اجاره باشه، اشکال نداره. مهم اینه که فرد زنگ باشه و بتونه در آینده پیشرفت کنه («س»، دختر، ۱۹ ساله، دانشجو و ساکن منطقه ۱۴).

اونی که پرآید داره کار کرده زحمت کشیده («س»، دختر، ۳۱ ساله، پرستار و ساکن منطقه ۱۰).

در مقابل، پسران این توان و تعهد را در خود نمی‌بینند و آن را به دلایل دیگری واگذار می‌کنند: من خودم از تعهد می‌ترسم. شاید به این دلیل که اون کسی که واقعاً دوست دارم پیدا نکردهم («م»، پسر، ۳۲ ساله، کارشناسی ارشد، شاغل و ساکن منطقه ۲۱).

پ) جایگاه و استقلال مالی زنان: یکی از مسائل مهم جایگاه اجتماعی و اقتصادی جدیدی است که زنان در عصر جدید پیدا کرده‌اند. زنان با توانمندی‌های جدید در عرصه‌های مختلف تحصیلی و شغلی توانسته‌اند در کنار مردان و چه‌بسا گاه جلوتر از آنان در جامعه حضور یابند. به نظر می‌آید وابستگی مالی زنان به مردان در گذشته سازگاری بیشتری را با سختی‌های زندگی ایجاد می‌کرد. به آنان سفارش لباس سفید عروسی و کفن می‌شد، زن مجبور بود با مسائل زندگی مشترک بسازد. طلاق علاوه بر قبح اجتماعی که داشت، روزگار سخت‌تری را از نظر مالی پیش روی او قرار می‌داد. اما، امروزه، زنان به دلیل داشتن درآمد برای گذران امور زندگی چه‌بسا بتوانند راحت‌تر به طلاق و جدایی بیندیشند.

جایگاه زن مثل الان نبود («آ»، ۱۹ ساله، دیپلم و ساکن منطقه ۱).

خانم‌های قدیم بیشتر با زندگی می‌ساختن. چون نمی‌تونستن خونه پدرشون برگردن. گذشت در خانم‌ها دیده می‌شد. ولی الان خانم‌ها وقتی می‌تونن کار کنن و درآمد داشته باشن، می‌گن برای چی بمونم با مردی که اذیتم می‌کنه. می‌رن طلاق می‌گیرن («پ»، دختر، ۱۹ ساله، دانشجوی و ساکن منطقه یک).

۲. مناسبات ارزشی نوپدید

با تمام مشکلات اقتصادی که برای جوانان وجود دارد، مناسبات و باورهای ارزشی باعث شده جوانان به شکل دیگری به ازدواج بیندیشند. عوامل ارزشی و دل‌نگرانی‌هایی که برخاسته از روحیات و ویژگی‌های ارزشی جدید است متأسفانه بین جوانان امروزی شایع شده است. بی‌تعهدی افراد به یکدیگر در عشق و دوستی، خیانت میان دو جنس و فضای بی‌اعتمادی حاکم بر این رابطه می‌تواند از عوامل مهم در ازدواج‌نکردن جوانان باشد.

امروزه بیکاری و افزایش ساعت فراغت با دوستان سرگرمی‌های متعددی ایجاد می‌کنه که بر نوع رفتارهای اون‌ها تأثیرگذاره... الان جوون‌ها فقط افتخارشون اینه که بدن‌سازی و سولار برن... محیط‌هایی که می‌رن خیلی مهمه. خیلی تأثیر داره («س»، دختر، ۳۱ ساله، پرستار و ساکن منطقه ۱۰).

دوستی‌های میان دو جنس یکی دیگر از این سرگرمی‌هاست. تعدد این دوستی‌ها و پایبند نبودن به آن، فضای بی‌اعتمادی را ایجاد می‌کند. این موضوع در ازدواج و انتخاب همسر ترس افراد را برمی‌انگیزد که مبدا در زندگی زناشویی تکرار شود. فضای مجازی ارتباطات پنهانی را آسان‌تر کرده و افراد به راحتی با یکدیگر آشنا می‌شوند، قرارهای دوستی می‌گذارند که چه بسا منقطع و ناپایدار است و به گفته بسیاری بیش از دو سه ماه دوام ندارد.

الان اکثراً بیکارن، می‌رن می‌چرخن و می‌گردن و دیگه ازدواج نمی‌کنن. ازدواج‌های اون موقع خیلی خوب بود. با دنیای مجازی، ازدواج می‌شه ولی صد در صد بعد از دو سه سال جدا می‌شن. نمی‌تونم به هیچ‌کس اعتماد کنم. به همه بدبینم (همان).

۳. مناسبات اجتماعی-ارتباطی

الف) وضعیت اجتماعی: مشارکت‌کنندگان برای زندگی خود در تحصیلات، شغل مناسب، موقعیت و درآمد دلخواه هدف‌گذاری می‌کنند. آنان ازدواج را مانعی برای رسیدن به اهداف زندگی می‌دانند. ازدواج با رسیدن به خواسته‌ها و آرزوها منافات دارد:

من قبول ندارم که نیازی وجود نداره، ولی به هدفم برمی‌گرده. از کسی خوشم اومده بود ولی گفتم اول باید به هدفم برسم («م»، پسر، ۲۵ ساله، کارشناسی و ساکن منطقه ۲۱).

بنابراین افراد ازدواج و سایر اهداف زندگی را یکی پس از دیگری می‌دانند و در انتهای مسیر، هنگامی که همه اهداف در دسترس قرار گرفت، به ازدواج می‌اندیشند. نادیده‌انگاری از راهبردهایی است که جوانان در مواجهه با سختی‌های ازدواج در پیش می‌گیرند:

ترجیح می‌دم خوشی‌ها را بکنم بعد ازدواج کنم. چون بچه‌ها نمی‌دارن آدم زندگی رو داشته باشه. چون مادرم رو می‌بینم زندگی‌ش رو گذاشته برای من و برادرم («آ»)، دختر، ۱۹ ساله، دیپلمه و ساکن منطقه ۲).

نکته مهم دیگر این است که پسران به در دسترس بودن دختران اذعان دارند و یکی از دلایل مهم ازدواج نکردن خود را این می‌دانند که دختران مطلب کشف‌نشده‌ای ندارند، زیاد در اختیارند، لذا چه دلیلی برای ازدواج؟!

جنس مخالف جذابیت ندارد. از اول داشته، ولی الان دیگه این حس نیست («پ»)، پسر، ۲۷ ساله، کارشناسی ارشد).

وقتی از دختران دلیل ازدواج نکردن را می‌پرسیم همین را مطرح می‌کنند. «س»، ۳۱ ساله و ساکن منطقه ۱۰ می‌گوید:

چون راحت دختر در اختیارشون هست. برای چی دیگه ازدواج کنن، سرشون گرمه و دیگه ازدواج نمی‌کنن.

این گفته مهر تأییدی بر این نظر است:

زمانی تو خیابون دختر می‌اومد و به زیبایی دخترای الان هم نبود، ولی آرزو داشتی که با یکی از این‌ها ازدواج کنی. زمانی همه دنبال ازدواج بودن، ولی الان نیازی نیست که ازدواج کنی. فراونه («ع»، پسر، ویزیتور و ساکن منطقه ۸).

«س» از طرز تفکر هم‌جنسان خود و تعدد دوستی‌های کم‌دوام میان دختر و پسر چنین می‌گوید:

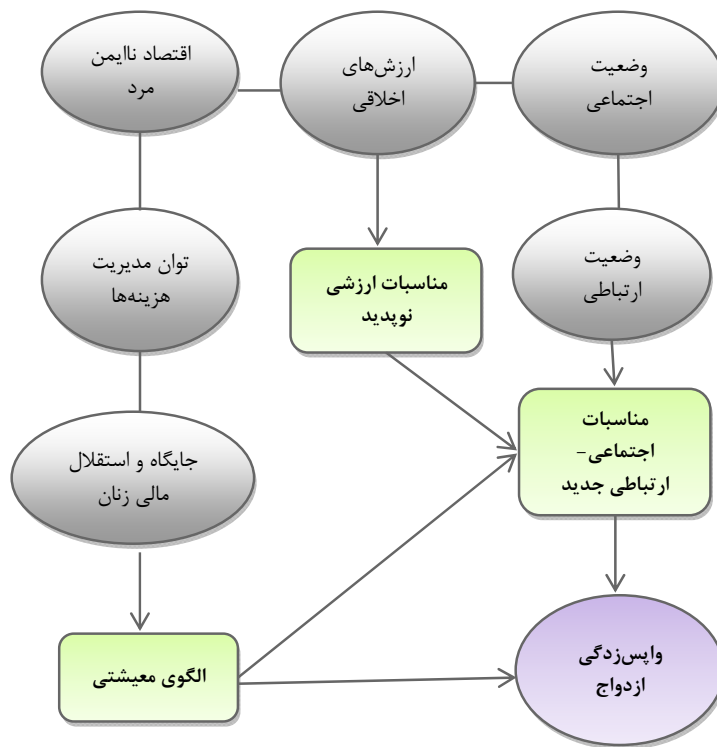
بعضی می‌گن ما جوونیم با یک دختر دوست می‌شیم، می‌ریم بیرون و کلی جوونی می‌کنیم و ۳۰ سال به بعد هم ازدواج می‌کنیم («ع»، پسر، ۲۱ ساله، دانشجو و ساکن منطقه ۱۷).

ب) وضعیت ارتباطی: تمایل به آزادی و گریز از محدودیت‌ها عامل مؤثر دیگر در ازدواج نکردن است. آن‌ها فکر می‌کنند در زمان مجردی تمام وقتشان از آن خودشان است و مسئولیتی برای فرد دوم ندارند. برای آن‌ها پرس‌وجو شدن و هماهنگ‌شدن با همسر سخت است:

محدودیت من رو اذیت می‌کنه. سر وقت بری، بیای، من این رو دوست ندارم («م»، پسر، ۲۵ ساله، لیسانس و ساکن منطقه ۲۱).

گاهی به‌واسطه شرایط وضعی فردی یا اجتماعی، اعم از تحصیلات دانشگاهی، یا شرایط ایجابی همانند خدمت سربازی امکان ازدواج برای آنان وجود ندارد:

دانشجوییم و درس می‌خونیم. اولاً کسی به ما کار نمی‌ده، باید سربازی بریم و... در زمان سربازی نمی‌شه ازدواج کرد («م»، پسر، ۲۱ ساله، دانشجو و ساکن منطقه ۱۷).
دیگران عام و تجربیات خوب و بد آنان در اطراف فرد می‌توانند در روحيات، انگیزه و تصمیم‌گیری‌های جوانان تأثیرگذار باشد:
از هر کسی که ازدواج می‌کنه می‌پرسیم، می‌گه تا ۱۰ سال دیگه زن نگیر («ع»، پسر، ۲۱ ساله، دانشجو و ساکن منطقه ۱۷).



شکل ۲. دلالت معنایی واپس‌زدگی ازدواج

بحث و نتیجه‌گیری

در واکاوی روایت سوژه‌های اجتماعی و عمق اظهارات آنان به ازدواج به دیدگاه غالب «واپس‌زدگی» ازدواج نزد جوانان دست یافتیم. در سایه چهار مقوله حاصل از تحقیق، شامل ترس، بی‌میلی، افول ارزش‌های فرامادی و لذت‌گرایی در میان سوژه‌ها، هسته محوری و

درحقیقت تم نهایی تحقیق شکل گرفته است. اگرچه در نظر تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان مطالعه‌شده هنوز خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد، تشکیل خانواده را برای همیشه نفی نمی‌کنند و هیچ‌یک از آنان تجرد قطعی را نقطه ایده‌آل خود معرفی نکرده‌اند. با وجودی که به اولویت‌های زندگی شخصی خود اشاره داشته‌اند، ازدواج نیز جزء برنامه زندگی آنان است و در حال حاضر خواسته یا ناخواسته آن را به تعویق می‌اندازند. بنا به دلایل متعدد، که در بحث‌های مربوط به دلالت‌ها به آن اشاره شد، سعی می‌کنند فعلاً به این موضوع نزدیک نشوند و حالتی از واپس‌زدن به موضوع برای آنان تجربه شود. برخی مشکلات شغلی، اقتصادی و ترس از هزینه دارنند و بسیاری نیز بنا به دلایل اجتماعی و تساهل روابط میان دو جنس و بی‌اعتمادی اجتماعی فعلاً از ازدواج دوری گزیده‌اند. آنان از ازدواج در پی منفعی هستند که امروزه تأمین نمی‌شود. در مقابل، ازدواج هزینه گزافی را تحمیل خواهد کرد که به‌زعم آنان پایان نامشخص و چه‌بسا زیان‌آور خواهد داشت. می‌توان گفت کنشگران مطالعه‌شده در تحلیل از زیست‌جهان خود و در انتخابی عقلانی نسبت به ازدواج این‌گونه می‌اندیشند و استراتژی اتخاذ می‌کنند. همان‌گونه که کلمن^۱ اساس بررسی و تحلیل را بر کنشگر و منافع او قرار داده است. بنتام^۲ هم مدعی بود که هر فرد در پی حداکثر کردن سود خودش است، اگرچه هر کنشگری منافع خودش را در یک شبکه ارتباطی می‌بیند و منافع آن‌ها در پیوند با منافع دیگران تعریف می‌شود [۱]. تا زمانی که ازدواج در نظر سوژه‌ها امری بی‌معنا، نامناسب و مانع پیشرفت تلقی شود، طبیعی است که به آن احساس بی‌نیازی و بی‌میلی می‌کنند. همچنین، سخت و تلخ همانند کابوس است و تجربه طلاق دیگران دلالتی بر این معناست. از سویی، شکل ارتباطات فعلی، ناشناخته‌بودن افراد برای همسری، بی‌اعتمادی حاکم در ارتباطات و وجود خیانت و بی‌وفایی در روابط خود یا تجربیات دیگران نیز آن‌ها را بر آن می‌دارد که برای دستیابی به رابطه ناب [۲۵] و عشق و صمیمیت و اعتماد، فعلاً از ازدواج صرف‌نظر و آن را به وقت دیگر موکول کنند و خود به سوی راهبردهای دیگری رهنمون شوند. امروزه، اعتمادکردن برای جوانان سخت شده است. گیدنز معتقد است که مشخصه عصر مدرن اعتماد بالقوه است و منابع اعتماد در جوامع سنتی اهمیت خود را در جوامع صنعتی از دست می‌دهند. اعتماد در جامعه مدرن میان افرادی است که مدت طولانی یکدیگر را می‌شناسند یعنی افرادی که صلاحیت‌های لازم را برای قابل اعتماد بودن در نظر همدیگر به اثبات رسانیده‌اند. اما قابلیت اعتماد بر مبنای مکانیسم‌های از جا کننده چیز دیگری است، هرچند اعتماد‌پذیری در اینجا نیز عامل مهمی است [۳۲]. از آنجا که ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد نیز رابطه نزدیک با صمیمیت دارد، در نوع روابط موجود جوانان این اعتماد را کمتر احساس می‌کنند و رابطه صمیمانه ازدواج کمتر شکل می‌گیرد.

1. James Colman
2. Bentham

همان‌گونه که نظریه‌پردازان، مانند شومپیتر، زنان و نهاد خانواده را از عوامل اصلی توسعه می‌داند و افول آن روند توسعه جامعه را تضعیف خواهد کرد [۳]، زنان جامعه کنونی ما نیز در تحولات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایجادشده فرصت بیشتری در حوزه‌های آموزش و اشتغال یافته‌اند. جایگاه امروزی زنان با گذشته بسیار متفاوت شده، برای آنان امکان اشتغال و درآمد اقتصادی فراهم شده و به همین سبب به‌راحتی تن به ازدواج نمی‌دهند. کریستین و همکارانش (۲۰۱۲) بر این باورند که کسب مدرک تحصیلی و ارتقای موقعیت اجتماعی مستلزم گذر زمان بیشتری برای افراد است. بنابراین، تحصیلات بالاتر و یادگیری فن و مهارت و آموزش دانش بیشتر، خودبه‌خود، به ازدیاد سن ازدواج در جوانان منجر می‌شود [۳۸]. دختران جامعه، در وضعیت کنونی، ازدواج به هر شکل ممکن را همانند قبل ضروری نمی‌دانند و افراد کمتری هستند که هنوز بر گفتمان سنتی و ضرورت ازدواج به شیوه قبل پایبند باشند. گیدنز نیز اشاره می‌کند که پس از جنگ جهانی دوم به دست آوردن جایگاه اجتماعی، استقلال مالی و موفقیت شغلی زنان از عوامل مهم در تغییر الگوهای خانوادگی و به تأخیر انداختن ازدواج از سوی زنان بوده است [۲۳]. از سوی دیگر، امروزه امکان رابطه و تعدد ارتباط با جنس مخالف، به‌ویژه در مردان، بیشتر حس تنوع‌خواهی و لذت‌جویی آنان را تطمیع می‌کند و نتیجه آن می‌تواند گریز از ازدواج باشد. واپس‌زدگی به ازدواج میان پسران بیشتر محسوس است. دختران اگر حتی به ازدواج راغب باشند، به دلیل شرایط فعلی پسران و تمایل کم آنان برای ازدواج، با تقاضای کمتر و انتخاب‌های محدودتر مواجه‌اند. چیل بر این باور است که امروزه ازدواج به حوزه خصوصی و پیوندهای عاطفی وارد شده است [۲۷]. بنابراین، میل به ازدواج در میان جوانان به امری داوطلبانه تبدیل شده و براساس میل خود ازدواج می‌کنند. آنان امروز متأهل می‌شوند، چون خود می‌خواهند، نه اینکه مجبور به انجام آن باشند. امروز هنجار آن است که ارضاکننده باشد، نه آنکه بر اثر الزام اجتماعی و ضرورت‌های اقتصادی صورت گیرد.

روابط پنهان یا آشکار دختر و پسر و امتداد و تداوم این روحیه اخلاقی حین و پس از ازدواج، روابط فرازناشویی را ایجاد می‌کند که برای بسیاری از جوانان مطالعه‌شده موجب هراس و واپس‌زدگی از ازدواج شده است. چه‌بسا روابطی که پس از اطلاع از خیانت همسر آغاز شود و تجربه دیگران عام در ذهن این افراد به دوری آنان از ازدواج منجر شده است. زیتون [۶؛ ۴۵] هم برانگیخته شدن حسادت و احساس انتقام‌جویی را باعث رفتاری تلافی‌جویانه می‌داند و همسر فرد خیانت‌کننده را به‌سوی رابطه فرازناشویی سوق می‌دهد. همان‌طور که این موضوع در روابط بین زوجین از عوامل تأثیرگذار در جدایی و طلاق است.

آنچه سوژه اجتماعی تحقیق را دچار واپس‌زدگی از ازدواج کرده است، فضای کدر بی‌اعتمادی میان دختران و پسران است. در زندگی زناشویی، بی‌وفایی نقطه اوج عدم صمیمیت و بی‌صداقی است. صرف‌نظر از اشکالات اخلاقی، بی‌وفایی و خیانت به همسر به‌قدری بر پیکره

خانواده و روابط آن نفوذ می‌کند که نه تنها روابط زناشویی را از هم می‌پاشد [۶]، بلکه تجربه تلخی برای عبرت‌آموزی دیگران می‌شود. گیدنز این نوع اعتماد را انتظار انجام دادن رفتار قابل پیش‌بینی و مداوم و باور به تعهد و صمیمیت دیگران می‌داند [۲۶]. نکته جالب اینکه برخی مشارکت‌کنندگان هم خود قربانی بی‌وفایی و خیانت در رابطه‌های دوستانه‌اند و هم عامل به این نوع خیانت‌اند. می‌توان گفت کم‌کم این شکل از رابطه‌ها هنجارمند و نهادینه شده و به‌منزله عاداتی در روابط روزمره جوانان در آمده است.

سه مقوله اصلی الگوی معیشتی، مناسبات ارزشی نوپدید و مناسبات اجتماعی-ارتباطی از عوامل تأثیرگذار بر معنای ذهنی پاسخ‌گویان است. اقتصاد نایمن مردان، بیکاری و فقدان شغل مناسب، عدم امنیت مالی، ضعف درآمد خانواده در حمایت مالی فرزندان، عدم توان مدیریت هزینه‌ها در تأمین مسکن، نگرانی و عدم توان مدیریت و تأمین امکانات زندگی، تجملات و چشم و هم‌چشمی از عواملی است که بسیاری از خانواده‌ها را مشغول داشته است. مشکلات و تنگناهای اقتصادی برای شروع زندگی وجود دارد که بسیاری از جوانان را از فکر و اقدام برای زندگی مشترک باز می‌دارد. از نظر گیبسون و دیویس (۲۰۰۵) نیز انصراف از ازدواج حداقل در میان بخشی از محرومان اقتصادی انصراف واقعی از ازدواج نیست و عواملی همچون مسائل مالی، کیفیت رابطه و تداوم آن، ترس از طلاق و تجربیات دیگران مانع مهمی برای به تأخیر انداختن ازدواج و دوری موقت از آن است [۴۸]. جوانان مطالعه‌شده در جست‌وجوی ارزش‌های فرامادی کمیاب همچون صداقت، سازگاری، فداکاری و اعتماد متقابل‌اند. کنشگران برخی شرایط اجتماعی، همانند تحصیلات دانشگاهی و لزوم زندگی در شهرهای بزرگ، فراغت زیاد جوانان به دلیل بیکاری، توجه و اولویت اهداف فردی، آسان‌شدن ارتباط میان دختر و پسر را عامل مهم در چگونگی رویکرد به ازدواج و راهبردهای مربوط به آن می‌دانند.

در پایان، چند نکته که می‌تواند متوجه برخی از نهادهای اجتماعی باشد، پیشنهاد می‌شود:

۱. ازدواج در میان جوانان ما هنوز یک هدف است؛ یعنی در این امید و انتظارند که روزی بالاخره ازدواج خواهند کرد و واپس‌زدگی امروز آن‌ها دال بر کناره‌گیری دائم آنان از ازدواج نیست. آنان به دلیل فقدان امکانات و شرایط لازم از سویی و بنا به مشاهدات و تجربیات خود و دیگران از شرایط اجتماعی و اقتصادی و ارتباطی از سوی دیگر به چنین نگرشی رسیده و فعلاً چنین استراتژی را اتخاذ کرده‌اند. نهادهای مسئول و برخوردار که می‌توانند در امر ازدواج به جوانان کمک کنند، فرصت‌های باقی‌مانده را پاس دارند و آستین همت بالا زنند و به ترمیم زیرساخت‌های جامعه بپردازند؛

۲. بیکاری یا شغل نامناسب و درآمد ناکافی در نگاه اول عامل مهمی برای روی نیاوردن و واپس‌زدگی ازدواج است. انجام‌دادن اقدامات زیربنایی همچون بهبود وضعیت تولید و اشتغال، آموزش‌های لازم برای یادگیری مهارت و ایجاد کسب‌وکار همانند دوره‌های قدیم‌تر از سوی خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها مهم است؛

۳. نکته بسیار مهم دیگر افول ارزش‌های فرهنگی و فرامادی است که امروزه نوع دیگری از روابط میان دختر و پسر را تعریف و فضای بی‌اعتمادی را بر روابط میان آنان حتی در زمان ازدواج حاکم کرده است. ارزش‌های فرامادی به تربیت و فرهنگ‌سازی نیاز دارد و در فرایند جامعه‌پذیری است که می‌توان کنشگران را به این فرهنگ پایبند کرد. امروزه، نیاز است که در یادآوری و بازآموزی ارزش‌های مرتبط با زندگی زناشویی بازجامعه‌پذیری^۱ صورت پذیرد. همه ارکان اجتماع، اعم از خانواده، نهاد آموزش و رسانه، در این امر دخیل‌اند و باید هریک وظایف خود را به‌درستی انجام دهند؛
۴. بخشی از ترس از ازدواج به دلیل تجربیات دیگران عام است که در زیست‌جهان افراد وجود دارند. ارائه الگوهای موفق زندگی مشترک به‌منزله ابزاری فرهنگی می‌تواند به الگوسازی در اذهان عمومی کمک کند؛
۵. ترویج فرهنگ ازدواج ساده و آسان یکی از الگوهای موفق برای ترغیب جوانان به ازدواج است. اکثر جوانان به دلیل هزینه‌های سنگین و سنت‌های خانوادگی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن از ازدواج گریزان‌اند. الگوی ازدواج‌های آسان به‌گونه‌ای نه‌چندان مطلوب از جمله خانواده‌های تحت پوشش سازمان‌های حمایتی یا ازدواج‌های صوری دانشجویی معرفی شده‌اند و نتوانسته‌اند به‌عنوان الگوی غالب در جامعه جای بگیرد؛
۶. پیشنهاد می‌شود نتایج این پژوهش با روش‌های کمی بررسی و آزمون شود تا وسعت و قدرت تعمیم‌پذیری آن سنجیده شود.

منابع

- [۱] ازکیا، آقاسی، محمد؛ فلاح مین‌باشی، فاطمه (۱۳۹۴). «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده»، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۶، ش اول، ص ۱-۲۱.
- [۲] آزادارمکی، تقی (۱۳۸۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سروش.
- [۳] _____ (۱۳۸۳). «اعتماد، اجتماع و جنسیت، بررسی تطبیقی اعتماد متقابل میان دو جنس»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۵، ش ۲، ص ۱۰۰-۱۳۲.
- [۴] _____ (۱۳۹۵). *تغییرات و چالش‌های آینده خانواده ایرانی*، تهران: نیسا.
- [۵] ازکیا مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- [۶] بک گرنشهایم، الیزابت (۱۳۸۸). *خانواده در جهان امروز*، ترجمه افسر افشار نادری و بیتا مدنی، تهران: پایا.
- [۷] بودلایی، حسن (۱۳۹۵). *روش تحقیق پدیدارشناسی*، تهران: جامعه‌شناسان.

- [۸] بهنام، جمشید (۱۳۹۲). *تحولات خانواده، پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: ماهی.
- [۹] پارساپور، ژوبین (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر هزینه‌های مسکن بر نرخ ازدواج جوانان در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- [۱۰] توکلی، اعظم (۱۳۹۵). «بررسی علل و عوارض فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر ازدواج‌های دیرنگام»، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد و علوم انسانی، <http://scholar.conference.ac/index>.
- [۱۱] جمشیدیها، غلامرضا؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ لولآور، منصوره (۱۳۹۲). نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران»، *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، ش ۲.
- [۱۲] دلخوش، محمدتقی (۱۳۹۲). «بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، س ۹، ش ۳۶، ص ۳۳۱-۳۵۰.
- [۱۳] رحمت‌آبادی، فاطمه (۱۳۸۹). «بررسی مقایسه‌ای ارزش‌ها و معیارهای ازدواج و عوامل مؤثر بر آن‌ها در میان جوانان و والدین (مطالعه جوانان ۱۸-۳۰ سال شهر برسکن)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- [۱۴] زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۲). *توسعه و نابرابری*، تهران: مازیار.
- [۱۵] ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، چ ۲۰، با تجدید نظر و اضافات، تهران: سروش.
- [۱۶] سرایی، حسن (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ش ۲، ص ۳۷-۶۰.
- [۱۷] سرایی، حسن؛ اجاقلو، سجاد (۱۳۹۲). «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی: زنان شهر زنجان»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، س ۵، ش ۴، ص ۱۹-۴۱.
- [۱۸] صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۵). *گفتمان‌ها و خانواده ایرانی: جامعه‌شناسی الگوهای خانواده*، پس از مناقشه‌های مدرنیته در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۹] صادقی، رسول؛ شگفته گوهری، محمد (۱۳۹۶). «مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران»، *فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، س ۸، ش ۳۰، بهار، ص ۱۴۱-۱۷۵.
- [۲۰] طبیبی‌نیا، موسی (۱۳۹۳). «میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن»، *فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، س ۵، ش ۱۶، ص ۶۳-۸۶.
- [۲۱] فلیک، اووه (۱۳۹۳). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۲۲] کاظمی، زهرا؛ نیازی، صغری (۱۳۸۹). بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج (مطالعه موردی: شهر شیراز)، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۱، ش ۲، ص ۲۳-۳.

- [۲۳] کتابی حبیب‌پور، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره اول، بهار، ص ۷-۳۴.
- [۲۴] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۲۵] _____ (۱۳۹۱). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- [۲۶] _____ (۱۳۹۲). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- [۲۷] لیبی، محمدمهدی (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست و یکم از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی، تهران: علم.
- [۲۸] لیزاستیل، وارن کید (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مهارتی خانواده، ترجمه فریبا سیدان و افسانه کمالی، تهران: دانشگاه الزهرا.
- [۲۹] محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱، ج ۱ و ۲، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۳۰] مسعودیان، ناهید (۱۳۹۵). «بررسی عوامل و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی تأخیر در ازدواج با نگاهی بر رویکردهای اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- [۳۱] مهدوی، محمدصادق؛ کلدی، علیرضا؛ جمند، بهاره (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی‌رغبتی جوانان شهری به ازدواج (شهر تهران)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، س ۶، ش ۹، ص ۲۳-۶۰.
- [۳۲] محسنی تبریزی، علیرضا؛ معیدفر، سعید؛ گلای، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی اعتماد اجتماعی با نگاه نسلی به جامعه، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۲، ش اول، صص ۴۱-۷۰.
- [۳۳] هزارجریبی، جعفر؛ آستین‌فشان، پروانه (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته (۱۳۵۵-۱۳۸۵)»، مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره اول، ش اول، صص ۱۳-۸۸.
- [34] Ameer Ali Abro Dr. Aazadi Fateh, Dr. Zulfiqar Haider Zaidi, Dr. Irfana Shah (2017). Changing pattern of marriage and its impact on nuptiality: sociology study of KARACHI, PAKISTAN § The Women, Research Journal, Volume9.
- [35] Arnett, Jeffrey Jensen. (2000). "Emerging Adulthood: A Theory of Development From the Late Teens Through the Twenties". *American Psychologist* 55(5): PP 469-480.
- [36] Azman Azwan Azmawati, Intan Hashimah Mohd Hashim, Noraida Endut (2015). Don't Marry, Be Happy! – How Single Women In Malaysia View Marriage. Shs Web Of Conferences 18, 03001(2015).Doi: 10.1051/ C Owned By The Authors, Published By Edp Sciences, 2015.
- [37] Cheng Yuan, han Xuehui, and John K. dagsviK (2011). Marriage Pattern in the City of Shanghai Behavioral Two-Sex Marriage Model

- and Multistage Marriage Life Table Approach. -Chinese Sociology and Anthropology, vol. 43, no. 4, pp. 74-. DOI 10.2753/CSA0009-4625430404.
- [38] Cristine A. Smith; Rebecca Paulson Stone; Sarah Kahando(2012). A model of women's educational factors related to delaying girls' marriage. Springer Science + Business Media B.V. nt Rev Educ (2012) 58: PP 533–555. DOI 10.1007/s11159-012-9309-1.
- [39] Engelen, Theo. Puschmann, Paul (2011). *How unique is the Western European marriage pattern?* A comparison of nuptiality in historical Europe and the contemporary Arab world. *History of the Family* 16 , 387–400 .
- [40] Gavin W. jones, Terence H. hull and Maznah mohamad, eds.(2016).*Changing Marriage Patterns in Southeast Asia. Economic and Socio-cultural Dimensions*, Oxfordshire and New york, Routledge,2011 , 239 p.Population-E, 71 (2), 2016, 381-382 DOI: 10, 3917.
- [41] Hippen, Kaitlin A. (2016). "Attitudes Toward Marriage and ong-term Relationships across Emerging adulthood", *Thesis, eorgia State University*, http://scholarworks.gsu.edu/sociology_theses/59
- [42] Johnson, R. B. & L. B. Christensen, (2008). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*, (3rd Ed.), Thousand Oaks, CA: Sage.
- [43] Klärner, Andreas (2015). *The low importance of marriage in eastern Germany – social norms and the role of peoples' perceptions of the past*. Volume 33, article 9, pages 239–272. <http://www.demographic-research.org/Volumes/Vol33/9/>
- [44] Lesthaeghe, Ron. 2010. "The Unfolding Story Of The Second Demographic Transition". *Population and Development Review* 36(2): PP 211–251.
- [45] Lyton Tholl, Debbil (2003), completed Her dixxeration on the Topic of Extraartial Affair. Dissertation.
- [46] Rabinstion. Nabarro & Ivanir Sara.(1999). In *Trapia Delle cople di Mezza eta in crisiper ana Relazione Extraconiygale*.
- [47] Rich, M. & Ginsburg, K. (1999) "The Reason and Theme of Qualitative Research: Why, When and Who to Use Qualitative Methods in the Study of Adolescent Health", *Journal of Adolescent Health*, 25: PP 371-378.
- [48] Strong, Bryan (2008). *The Marriage and Family Experience*. Thomson Higher Education, 10 Davids Drive, Belmont, C.A. 94002- 3098.
- [49] Waggoner, Lawrence W.(2016) "Marriage Is on the Decline and Cohabitation Is on the Rise: At What Point, if Ever, Should Unmarried Partners Acquire Marital Rights?" University of Michigan Law School, waggoner@umich.edu Fam. L. Q. 50, no.:PP 215-46.
- [50] Willoghby Brian. 2010. "Marital Attitude Trajectories Across Adolescence". *Journal of Youth. & Adolescence* 39(11): PP 1305–1317.